لبه‌ی جدول

فریبندگی شهر(۱)

ناهیداحمدپناه

در لبه ی جدول نگاه تازه ای است به گوشه گوشه ی
شهر گرگان همان چیزها که چشم به دیدنشان آمخته
شده و دیگر نمیبیندشان همان روزمرگی شهر در کنار
معرفی گوشه ، کنار شهر
کوشیده ام دلشوره های آدم ها از نگاهشان بخوانم و
بنویسم با تعهد به راه رفتن در لبه جدول، کوتاه نویسی و
نگارش فارسی تا آنجا که خواننده را به بیزاری نکشاند
باهم در لبه ی جدول قدم بزنیم

روی لبه ی جدول ایستادم. برداشتن چند قدم اول سخت بود ولی خیلی زود مانند راه رفتن روی سنگفرش آسان شد. یک بعدازظهر خلوت و یک پیاده روی نارنجی. چرا لبه ی جدول و چرا عصر نارنجی نمی دانم اما می دانم مردم کم تر شهری به اندازه ی گرگانی ها به خوردن بها می دهند، می توان گفت در این سمت شهر مغازه ها یکی در میان کارشان رسیدن به شکم است و باقی مانده یکی درمیان «بنگاه معاملات ملکی». هرغریبه ای زود می یابد گرگان شهر خوب خوردن و خوب زندگی کردن است فارغ از دغدغه های چه کنم های انسان امروز. نگاهم به مرکز خوب خوردن بعدی آن سمت خیابان« فست فود باباطاهر» بود و تابلوی بزرگ «مبل عمارت» که تنه ای خوردم و میان پیاده رو فرود آمدم. فرود دردناکی نبود اما تعهدم به لبه ی جدول بین کتانی های سبز و سنگفرش ماند، نگاهم روی زن ریزه میزه و بعد روی میله ی قلاب دار در دستش کشیده شد. واماندم با سلاح خوفناک و تخیلات قرمز قصه پردازم که چست وچالاک پرید روی سطل زباله. قلاب تروفرز کیسه ای از میان انبوه زباله ها بیرون کشید و ماندم درهوشمندی قلاب آهنی. گنج بازیافتی را در کیسه سیاه بزرگ روی دوش انداخت و بی درنگ به سوی گنج بعدی راه افتاد. باید صورتش را می دیدم، این کنجکاوی گاه گران تمام می شود اما یک مدل بیماری سخت درمان است و خیال ندارم به خود رنج ترک بدهم. همان صورت که می دانستم، چهره ی استخوانی و کشیده، پوست آفتاب سوخته و لکه دار. می دانم اگر لختی درنگ می کرد و دو نگاه می دیدمش نشانه ای از زیبایی و فریبندگی زنانه را در چهره اش می یافتم... می دانم. به هر شکل او آدم داستانم نبود..

خبر

هشدار جهاد کشاورزی به کشاورزان

کودهای شیمیایی بدون شماره ثبت استفاده نکنید

مدیر شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان از کشاوران استان خواست که از دریافت کودهای شیمیایی بدون شماره ثبت کودی و مصرف آن در اراضی زیر کشت خودداری کنند.به گزارش ایرنا سیدصمد ضیایی اظهار داشت: با توجه به شروع کشت محصولات پاییزه و مصرف کودهای شیمیایی برای کشت های مورد نظر، از کشاورزان استان درخواست می شود که برای تهیه نهاده ها بویژه کودهای شیمیایی به کارگزاران مجاز که از سازمان جهادکشاورزی گلستان مجوز و پروانه دارند، مراجعه نمایند. وی تاکید کرد کودشیمیایی مورد نیاز کشت پاییزه استان به اندازه کافی تامین شده است و کشاورزان از این بابت مشکلی نخواهند داشت. استان گلستان بیش از ۶۵۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی دارد که افزون بر ۵۰۰هزار هکتار آن به کشت پاییزه اختصاص دارد. بیشترین کشت پاییزه گلستان گندم ، جو و کلزا است.

ورود بی برنامه فارغ التحصیلان مهندسی به بازار کار گلستان آسیب زد

نایب رییس اول نظام مهندسی ساختمان گلستان گفت: یکی از مشکلات اصلی در شرایط حاضر ورود بی برنامه مهندسان و فارغ التحصیلان به بازار کار است. محمدرضا آلوستانی در نشست مشترک اعضای گروه تخصصی مکانیک سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان، هیات مدیره انجمن صنفی مهندسان مکانیک استان و گروه مکانیک دانشگاه آزاد اسلامی گرگان، که به منظور بررسی راهکارهای همکاری مشترک در راستای اعتلای جایگاه مهندسی مکانیک انجام شد، با تاکید بر لزوم ارتباط مستمر بین دانشگاه و نظام مهندسی ساختمان بیان کرد: یکی از مشکلات اصلی در شرایط حاضر ورود بی برنامه مهندسان و فارغ التحصیلان به بازار کار است. آلوستانی افزود: باید دانشجویان و دانش آموختگان مکانیک به صورت کاربردی و عملی با موضوعات و کارگاه‌های مختلف و مرتبط با رشته خود، آشنا شوند. وی بیان کرد: ارتباط با انجمن های تخصصی و دانشگاهی می تواند در طول زمان منجر به نتایج مثبت و تربیت مهندسانی کاربلدشود.

بارندگی‌ها کمکی به منابع آبی نکرده است

استان گلستان گرچه در سال آبی جدید، شاهد بارندگی های مناسبی بوده، اما به گفته معاون آب منطقه ای گلستان ذخیره آبخوان های این استان با کاهش ٦ درصدی ذخیره مواجه بوده است. به گزارش مهر، منابع تجدید پذیر آب هر منطقه، میزان آبی است که پس از بارش با کسر تبخیر در مجاری آبی و رودخانه‌ها جاری می‌شود و یا با فرورفتن در زمین در آبخوان‌ها تجمع پیدا می‌کند. لذا میزان پتانسیل آب تجدید پذیر استان به عواملی چون میزان بارندگی در استان، ماه‌های دارای بارندگی، شدت و مدت هر بارش، نوع بارش اعم از برف یا باران، دما و باد غالب در زمان بارش و در نهایت به میزان تبخیر که خود نتیجه عوامل مختلفی مثل رطوبت هوا، تعداد روزهای آفتابی و شدت آفتاب، جهت باد غالب و شدت و تداوم آن است، بستگی دارد.علاوه بر موارد فوق، میزان و نوع پوشش گیاهی، جهت و میزان و طول شیب ارتفاعات حوضه و مواردی ازاین‌دست نیز در این زمینه مؤثر است. لذا در درجه اول جهت مقایسه منابع آب بایستی به عوامل فوق‌الذکر در هرسال اشاره کرد. در کنار این موارد، میزان، زمان و نوع مصرف آب توسط انسان و تغییرات اقلیمی نیز در این موضوع تأثیر دارد. طبق آمار ثبت‌شده توسط ایستگاه‌های آب و هواشناسی که میزان باران، تبخیر، دما و رطوبت را اندازه‌گیری می‌کند، میزان بارش در سال آبی ٩٤-٩٥ که از مهر ٩٤ آغاز و تا شهریور ٩٥ خاتمه می‌یابد ٦١٧ میلی‌متر بوده است که نسبت به دوره مشابه سال قبل خود ٥٠ درصد افزایش‌یافته است و نسبت به آمار درازمدت نیز ٢٨ درصد افزایش را نشان می‌دهد. این در حالی است که معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای گلستان می گوید: رواناب اندازه‌گیری شده در ایستگاه‌های اندازه‌گیری رودخانه‌های اصلی گلستان بین ٢٦ تا ٨٢ درصد کاهش را نسبت به دوره بلندمدت نشان می‌دهد. سید محسن حسینی تصریح کرد: ذخیره آبخوان‌های استان نیز حدود ٦ درصد کاهش را نسبت به آمار دوره بلندمدت نشان می‌دهد که مقدار کاهش در آبخوان‌های کم‌عمق و عمیق به ترتیب حدود ٦٠ میلیون متر مکعب و ١٦ میلیون مترمکعب بوده است. وی یادآور شد: در استان گلستان درمجموع و در طول سال به‌صورت متوسط حدود ٩ میلیارد مترمکعب بارش اتفاق می‌افتد که بیش از ٧٠ درصد آن تبخیر شده و تنها کمتر از ٣٠ درصد یعنی به میزان ٢.٥ میلیارد مترمکعب به‌عنوان منابع تجدید پذیر باقی می‌ماند، که یک میلیارد و ٢٥٠ میلیون مترمکعب آن به زمین نفوذ می‌کند. حسینی با اشاره به اینکه کل آب استحصالی استان از منابع سطحی و زیرزمینی دو میلیارد و ٧٦ میلیون مترمکعب است خاطرنشان کرد: حدود ٨٠ درصد این میزان در بخش کشاورزی، ١٣ درصد در بخش شرب، سه درصد در صنعت و چهار درصد در بخش محیط‌زیست استفاده می‌شود. وی با بیان اینکه کل موجودی آب استان دو و نیم میلیارد مترمکعب است اظهار داشت: در افق ١٤٢٠ نیاز آبی استان حدود سه برابر این میزان است و لازم است برای تامین این مقدار به سمت استفاده از آب دریا، آب‌های شور و حتیِ نامتعارف رفته و مصرف صحیح ازجمله استفاده از آبیاری مدرن را در سرلوحه خود قرار دهیم. وی با اشاره به برنامه شرکت آب منطقه‌ای برای مدیریت استحصال منابع آبی استان گفت: سیاست شرکت، در درجه اول توسعه منابع آب سطحی قابل توسعه و مهار آن‌ها در سدهای بزرگ و کوچک مخزنی و نیز استفاده از سایر تأسیسات آبی برای استحصال است. حسینی یادآور شد: در این زمینه پروژه‌هایی مانند سد نرماب در دست اجرا و پروژه‌هایی مانند سد شصت کلاته و قره‌چای در حال مطالعه است. وی در ادامه با اشاره به برنامه های شرکت در حوزه آب زیرزمینی نیز اظهار داشت: با توجه به اینکه میزان آب استحصالی اعم از مجاز و غیرمجاز حدود ٩٧ درصد پتانسیل را شامل می‌شود و طبق دستورالعمل جدید وزارت نیرو این میزان باید به حدود ٧٥ درصد از پتانسیل برسد، لذا پروژه‌ای تحت عنوان «طرح احیا و تعادل بخشی» توسط شرکت در حال اجرا است. وی اضافه کرد: انسداد چاه‌های غیرمجاز، نصب کنتورهای هوشمند و حجمی بر چاه‌های مجاز، تکمیل طرح‌های تغذیه مصنوعی، تقویت و استقرار اکیپ‌های گشت و بازرسی، اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی و بسترسازی فرهنگی، ساماندهی شرکت‌های حفاری ازجمله فعالیت‌های طرح احیا و تعادل بخشی است که در استان در حال اجرا است. به گفته وی تجهیز تمام چاه‌های مجاز به کنتورهای مختلف حجمی با توجه به مختصات چاه، نظارت برای برقی یا غیر برقی بودن چاه، انسداد چاه‌های غیرمجاز، توقیف و انهدام دستگاه‌ها و ابزارهای حفاری غیرمجاز، کنترل دستگاه‌های شرکت‌های حفاری مجاز به‌منظور جلوگیری از تخلف، ایجاد سامانه و بانک اطلاعاتی چاه‌های مجاز و منابع آب سطحی، مطالعه و اجرای ایجاد تشکل‌های آب بران برای مشارکت دادن ذینفعان، پروژه‌های تغذیه مصنوعی برای هدایت آب‌های مازاد سطحی به سفره‌های آب زیرزمینی از دیگر پروژه‌های طرح احیا و تعادل بخشی استان است. حسینی همچنین تعداد چاه‌های غیرمجاز موجود در استان را حدود ١٦ هزار حلقه عنوان کرد و افزود: میزان آبی که در سال توسط این چاه‌های غیرمجاز استحصال می‌شود حدود ١٥٠ میلیون مترمکعب است که حدود ١٣ درصد از مصرف آب زیرزمینی استان را به خود اختصاص داده است. وی با اشاره به برخی دلایل حفر چاه غیرمجاز توسط کشاورزان تصریح کرد: سهولت حفر چاه غیرمجاز کم‌عمق، کوچک شدن قطعات اراضی کشاورزی و عدم تجمیع کشاورزان برای پیگیری چاه‌های با عمق بیشتر و مجاز، محصور کردن اراضی باغی ازجمله دلایل بروز این اتفاق است. حسینی به مجازات پیش بینی شده برای متخلفین نیز اشاره کرد و گفت: هرگونه برداشت غیرمجاز از آب‌ها اعم از سطحی و زیرزمینی و اعم از اینکه برداشت کننده غیرمجاز باشد یا به‌وسیله چاه مجاز بیش‌ازاندازه آب استحصال کند مشمول جریمه می‌شود که میزان آن بر اساس دستورالعمل صادره از سوی وزارت نیرو محاسبه می‌شود. حسینی با توضیح وضعیت سفره‌های آب زیرزمینی گلستان اذعان داشت: علیرغم تمام کاستی‌ها و تنگناها و همچنین وجود عوامل محیطی مؤثر در استان، خوشبختانه گلستان فاقد کاهش معنادار سفره‌های آب زیرزمینی است و برخلاف نیمی از دشت‌های کشور که آبدهی آن‌ها بحرانی شده و به مناطق ممنوعه بحرانی تبدیل شده‌اند، استان گلستان فاقد دشت ممنوعه بحرانی است. وی ادامه داد: ولی در عین حال به منظور مراقبت‌های بیشتر و تضمین آب شرب استان، مناطقی از استان به‌عنوان منطقه ممنوعه آب شرب تعیین شد که در آن حفر چاه کشاورزی ممنوع شده و تحت مراقبت‌های ویژه ای قرار دارد. وی گفت: آنچه در استان گلستان تحت عنوان چاه غیرمجاز در حال استفاده است چاه‌هایی در آبخوان سطحی با عمق کمتر از ٤٠ متر است. حسینی همچنین احتمال نشست عمومی زمین به دلیل برداشت آب را در این استان بسیار کم ارزیابی و در عین حال تاکید کرد: اگرچه در گلستان به دلیل کسری ناچیز و یک درصدی مخزن با نشست عمومی زمین مواجه نیستیم اما مراقبت مداوم از آبخوان‌ها برای جلوگیری از بروز چنین اتفاقی ضروری است کمااینکه در اطراف برخی چاه‌ها که اصول بهره‌برداری در آنها رعایت نشده، نشست موضعی مشاهده‌شده است.

خبر

مدیر کل فرهنگ و ارشاد استان با انتقاد از اعتبارات اندک در این حوزه

اعتبار، کم؛ اما سطح توقعات زیاد است

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان سهم اداره فرهنگ و ارشاد از اعتبارات فرهنگی را محدود عنوان کرد و گفت: با این وجود انتظارات از این اداره چندین برابر است. به گزارش فارس، علی‌اصغر فضیلت در جمع مدیران دستگاه‌های اجرایی استان گلستان یکی از شاخص‌های ارزیابی در حوزه‌های مختلف از جمله فرهنگ را میزان اعتبارات دانست و اظهار کرد: از مجموع ۷ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان اعتبارات که برای دستگاه‌های فرهنگی در کل کشور لحاظ می‌شود سهم اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کمتر از یک هفتم این مبلغ یعنی یک هزار میلیارد تومان است. وی افزود: در حالیکه سهم اعتبارات یک هفتم است اما انتظارات از این اداره چندین برابر اعتبارات می‌باشد. وی با بیان اینکه در حوزه فرهنگ نتایج در کوتاه‌مدت قابل مشاهده نیست بیان کرد: فعالیت‌های فرهنگی باید در رفتار مشاهده شود و این امر نیز زمان‌بر است.وی ادامه داد: در واقع فعالیت‌های فرهنگی مانند پروژه‌های عمرانی نیست که در یک زمان‌بندی مشخص به سرانجام برسد چون متغیرهای تأثیرگذار در حوزه فرهنگ بسیار متعدد، متنوع و غیرقابل پیش‌بینی است. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان بنای شورای فرهنگ عمومی استان را با نگاه راهبردی به فرهنگ عمومی بیان کرد و افزود: مهم‌ترین اقدامی که در شورای فرهنگ عمومی استان انجام شده مشخص کردن اولویت‌های استان بعد از چهار دهه است. فضیلت ادامه داد: بسیاری از اولویت‌های شورای فرهنگ عمومی استان ناظر به فرمایشات مقام رهبری در طی سالیان متمادی و به‌ویژه فرمایشات چند سال اخیر ایشان در سفر به خراسان شمالی بود که بعد از بررسی به ۱۰ اولویت مهم فرهنگ عمومی در استان رسیدیم. وی سبک زندگی اسلامی ایرانی، تحکیم بنیان خانواده، تفریحات سالم، تهیه بسته فرهنگی اقتصادی مقاومتی، حجاب و عفاف، مبارزه با جنگ نرم، جوانان و ازدواج و .. را از مهم‌ترین اولویت‌های شورای فرهنگ عمومی استان بیان کرد.مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان در ادامه به فعالیت‌های قرآنی این استان اشاره کرد و گفت: سطح فعالیت‌های قرآنی گلستان آن‌قدر گسترده بود که جزو استان‌های برتر کشور در این حوزه انتخاب شد.

علیرغم گذشت ۵ سال از عملیات اجرایی

مرکز تشخیص بیماری های اسب، معطل تزریق اعتبار

دست اندرکاران حوزه پرورش اسب ترکمن معتقدند که بهره برداری از ساختمان مرکز تشخیص بیماری اسب کشور در گرگان باعث رونق فعالیت پرورش دهندگان منطقه و نیز توسعه صادرات اسب به کشورهای دیگر از جمله آسیای میانه می شود. آنان حفظ و احیای نژاد اسب اصیل ترکمن را در تقویت و توسعه صنعت گردشگری به همراه ایجاد بستر اشتغال پایدار با نگاه به رشد اقتصادی منطقه نیز موثر بیان می کنند. به گزارش ایرنا ایجاد مرکز تشخیص بیماری های اسب کشور از مصوبات دولت دهم بوده و اگرچه عملیات اجرایی آن از سال ۹۰ آغاز شده، اما عدم تزریق اعتبارات مورد نیاز، ساخت این مرکز را به درازا کشانده است. این در حالی است که بهره برداری از این طرح، رونق اسب ترکمن را در این خطه که مهد پرورش آن به شمار می رود، در پی خواهد داشت. پرورش اسب در بین قوم ترکمن ساکن گلستان از رونق خاصی برخوردار بوده و از مشاغل اصلی آنان است و طبق آمارهای غیررسمی در این منطقه حدود ۱۷ هزار راس اسب نگهداری می شود. در باب ارزش اسب ترکمن که دارای سه نژاد اخال تکه، یموت و چناران است کارشناسان مرتبط با این حوزه در گلستان معتقدند آخال تکه جزو زیباترین و قیمتی ترین اسب ترکمن بوده و محل زیست این گونه بیشتر در ایران و ترکمنستان است. اسب ترکمن بیشتر در استان گلستان وجود دارد، این گونه بدنی کشیده و لاغر دارد، شکم آنها بر خلاف بسیاری از نژادهای دیگر اسب ها تخت است. مدیرکل دامپزشکی گلستان در گفت وگو با خبرنگار ایرنا از اختصاص اعتبار در نیمه دوم امسال برای اتمام عملیات اجرایی مرکز تشخیص بیماری اسب کشور در گرگان خبر داد و گفت که با تامین اعتبارات لازم، بهره برداری از این مرکز تا پایان سال ۹۶ انجام خواهد شد. محمود رضا وفایی، بدون اشاره به اعتبار اختصاص یافته برای اتمام ساخت این مرکز و میزان پیشرفت فیزیکی آن، افزود: تاکنون حدود ۱۴ میلیارد ریال برای اجرای این مرکز هزینه شده است. به گفته وی، برای ساخت مرکز تشخیص بیماری اسب کشور در گرگان در سال ۹۰، ۲۹ میلیارد ریال برآورد اعتبار شده بود که نیمی از آن تامین نشد و اجرای طرح به درازا کشید و هزینه ساخت را افزایش داد. رئیس شورای نظام دامپزشکی گلستان نیز گفت: بهره برداری از این طرح، ظرفیت خوبی برای حمایت از اسب ترکمن به شمار می رود. مهران شکیبایی بر تلاش به منظور بهره برداری سریع تر این طرح تاکید کرد و افزود: گستره خدمات این طرح پس از بهره برداری در کل کشور است و همه آزمایش ها در مورد بیماری های اسب را می توان در این مرکز انجام داد. به گفته وی؛ چهار تا پنج مرکز تشخیص بیماری اسب در دنیا وجود دارد و با بهره برداری از مرکز تشخیص بیماری اسب در گرگان، تعامل با سازمان جهانی بهداشت دام نیز بیشتر می شود. وی افزود: علاوه بر این، بهره برداری از این طرح، فرصتی مناسب برای معرفی برند اسب ترکمن در مقیاس بین المللی است.

آگهی‌های ثبتی

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای شعبانعلی امیراعظمی فرزند رمضانعلی به ش ش ۳۶۹ صادره گرگان و کدملی ۲۱۲۱۱۴۲۷۷۰ با ارائه دو برگ استشهادیه گواهی شده توسط دفترخانه شماره ۸۰ گرگان ادعا نموده که سند مالکیت ششدانگ اعیان در قطعه زمین موقوفه به مساحت ۱۲۷/۰۵ مترمربع دارای پلاک شماره ۳۷۷۵/۱۷۵۱ اصلی واقع در بخش یک حوزه ثبتی گرگان ذیل ثبت ۱۰۶۲۶ صفحه ۴۶۴ جلد ۶۸ بنام مالک فوق مسبوق به سابقه ثبت و صدور سند مالکیت المثنی گردیده که بعلت جابجایی مفقود شده و نامبرده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت از این اداره نموده است. از این رو باستناد به ماده ۱۲۰ ـ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می¬گردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.

محمد اسماعیل پور
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک گرگان
۶۳۹۲ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم زهرا عرب عامری فرزند علی به ش ش ۳۴۵۷ صادره شاهرود و کدملی ۴۵۹۰۵۹۰۱۳۱ با ارائه دو برگ استشهادیه گواهی شده توسط دفترخانه ۴۶ گرگان ادعا نموده که سند مالکیت ششدانگ یکبابخانه دارای پلاک شماره ۱۷۹ ـ اصلی واقع در بخش یک حوزه ثبتی گرگان ذیل ثبت ۱۱۷۹ صفحه ۲۵۷ جلد ۱۴ بنام مالک فوق مسبوق به سابقه ثبت و صدور سند بوده و بموجب نامه شماره ۹۴۰۰۲۱ مورخ ۱۳۹۴/۱/۲۹ اجرای احکام شعبه ۱۱ دادگاه عمومی حقوقی گرگان در قید بازداشت بوده بعلت جابجایی مفقود شده و نامبرده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده است. از این رو باستناد به ماده ۱۲۰ ـ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می¬گردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.

محمد اسماعیل پور
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک گرگان
۶۳۸۹ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۴۳۳/۵۰ مترمربع دارای پلاک شماره ۲۱۱ فرعی از ۵ ـ اصلی واقع در اراضی محمدآلق بخش ۱۳ ـ ثبت آق قلا ملکی آقای احمد کرکز فرزند عبدالرحیم ـ باستناد تبصره ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در ساعت ۱۱/۰۰ صبح روز سه شنبه مورخه ۱۳۹۵/۹/۲۳ در محل وقوع ملک واقع در اراضی محمدآلق محله گرکز خیابان قلمان آخوند ۲ بعمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا ۳۰ روز اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. درغیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

عیسی حسن قاسمی ـ رییس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان آق قلا
۶۳۹۳ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۳۶/۹۱ مترمربع دارای پلاک شماره ۲۱۲ فرعی از ۵ ـ اصلی واقع در اراضی محمدآلق بخش ۱۳ ـ ثبت آق قلا ملکی آقای احمد کرکز فرزند عبدالرحیم ـ باستناد تبصره ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در ساعت ۱۱/۰۰ صبح روز سه شنبه مورخه ۱۳۹۵/۹/۲۳ در محل وقوع ملک واقع در اراضی محمدآلق محله گرکز خیابان قلمان آخوند ۲ بعمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا ۳۰ روز اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. درغیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

عیسی حسن قاسمی ـ رییس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان آق قلا
۶۳۹۴ م الف

آگهی‌های ثبتی

آگهی نوبتی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۷۵۸- ۹۵/۶/۱۴ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی محمود محمدخواه فرزند اسمعیل در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن(دارای تاسیسات مرغداری) به مساحت ۱۹۹۰۰/۷۴ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۱- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی هشتیکه) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای حاج بـرار تات محرز گردیده است.

۲- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۷۳۲- ۹۵/۶/۹ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی غلامرضا غفاری فرزند علی حسین در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۳۵۵/۵۸ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۱- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی هشتیکه) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی عباس قلی پور و هاجر قلی پور محرز گردیده است.

۳- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۷۳۵- ۹۵/۶/۱۰ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی شرکت خدمات مشاوره ای مروجان و فن آوران باغبانی و کشاورزی نوین در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۸۵۰۶/۱۱ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک یک اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی هشتیکه) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی رحمت سینه سپهر محرز گردیده است.

۴- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۴۳۹- ۹۵/۴/۱۳ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی حسین نوروزی فرزند علی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با بنای احداثی در آن به مساحت ۲۳۱/۸۵ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک یک اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی هشتیکه) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی رحمان خواجه محرز گردیده است.

۵- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۷۵۳- ۹۵/۶/۱۴ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی علی کلبادی نژاد فرزند قنبرعلی در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۲۴۹/۴۲ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۷- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی هشتیکه) خریداری مع الواسطه از مالکان رسمی علی اصغر امیرخانلو محرز گردیده است.

۶- برابر رای شماره ۱۳۹۴۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۷۶۸- ۹۵/۶/۱۷ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی شعبانعلی عظیمی فرزند علی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۱۸۶/۵۵ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۱- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی هشتیکه) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی قنبرآقا سینه سپهر و فاطمه سینه سپهر محرز گردیده است.

۷- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۷۶۹- ۹۵/۶/۱۸ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی محمد جعفر میرزائی فرزند بابا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۳۱۹۱/۶۴ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۱- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی لیوان) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای نورعلی لشکربلوکی محرز گردیده است.

۸- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۷۱۷- ۹۵/۶/۶ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی حشمت اله همتی قهوه فرزند محمدرضا در ششدانگ یک قطعه مزروعی به مساحت ۱۲۵۴۵/۲۳ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۱- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی لیوان) خریداری مع الواسطه از مالکان رسمی شعبانعلی احمدی لیوانی و مرصع احمدی لیوانی محرز گردیده است.

۹- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۷۵۹- ۹۵/۶/۱۵ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی حسین سعادتمند فرزند علی اکبر در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۰۲۴/۷۰ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۵- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی جفاکنده) که مقدار ۲۵/۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم از ششدانگ عرصه وقف عام می باشد . خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای علیجان دماوندی کمالی محرز گردیده است.

۱۰- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۷۷۱- ۹۵/۶/۱۸ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی مقداد کرد رسمتی فرزند عطاءاله در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۹۳۷/۷۷ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی دشتی کلاته) که مقدار ۹ سهم و ۱۸۱-ضرب مشاع از ۱۲۰ سهم از ششدانگ عرصه وقف عام می باشد . خریداری مع الواسطه از مالکان رسمی عباس و طاهره ومبارکه و سکینه خاتون کردی محرز گردیده است.

۱۱- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۷۵۵- ۹۵/۶/۱۴ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی صادق فرهادیان فرزند محمدقاسم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۳۷۹/۳۲ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی استون آباد) که مقدار ۹ سهم مشاع و ۱۸۱- ضرب مشاع از ۱۲۰ سهم از ششدانگ عرصه وقف عام می باشد . خریداری مع الواسطه از مالک رسمی سید کاظم حسینی محرز گردیده است.

۱۲- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۷۳۶- ۹۵/۶/۱۰ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی عسگر بائی فرزند محمد در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۶۸۳/۸۴ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۸- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی گز) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی محمد بائی محرز گردیده است.

۱۳- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۷۰۸- ۹۵/۶/۴ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی محمود روح افزائی فرزند یحیی در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۲۴۳۰/۲۸ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۴- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی کارکنده) که مقدار ۷ سهم و ۸- ضرب و سه چهارم سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام می باشد . خریداری مع الواسطه از مالکان رسمی وراث رمضان کشیر و مرتضی بهمنی محرز گردیده است.

۱۴- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۷۱۱- ۹۵/۶/۴ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی مهران روح افزائی فرزند یحیی در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۲۴۳۰/۲۸ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۴- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی کارکنده) که مقدار ۷ سهم و ۸- ضرب و سه چهارم سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام می باشد . خریداری مع الواسطه از مالکان رسمی وراث رمضان کشیر و مرتضی بهمنی محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت دو ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تجری –رئیس ثبت اسناد و املاک بندرگز
تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۹۵/۸/۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۹۵/۸/۲۲
م.الف: ۷۳۴۹

پدیدارشناسی و مارکسیسم

مصاحبه با علی نجات غلامی

از حدود سال ۱۳۹۰ علی نجات غلامی به جامعه فکری ایران معرفی شد . از نجات غلامی صدها صفحه ترجمه از آثار ادموند هوسرل، اشتراوس و دیگران موجود است. وی یکی از برجسته ترین فیلسوفان و پدیده شناسان ایرانی می باشد. در ادامه به گفتگویی با وی می پردازیم.

گلشن مهر: به نظر شما در جامعه‌ی ما مارکسیسم و پدیدارشناسی چه نسبتی با هم برقرار کرده‌اند؟

علی نجات غلامی: در جامعه‌ی ما باید دقت کنیم که هر دو سنت با ترسیمی روشن از نقشه¬ی تاریخی-مفهومی‌شان وارد نشده‌اند و به شدت با تقلیل‌گرایی‌ها و آشفتگی‌ها و کاریکاتورسازی‌هایی در طول نیم قرن اخیر رسوخ و رسوب کرده‌اند که عملاً هر دو دست‌افزار کشاکش‌های ایدئولوژیک شده‌اند. لذا صحبت از نسبتِ‌شان عملاً صحبت از بخشی از تاریخ جنگ انگ در جامعه‌ی ماست. مارکسیسم که خب عملاً در فضای عمومی ما یک دستورالعمل برای نقد همه چیز بر اساس ملاک زیربناهای اقتصادی است و پدیدارشناسی نیز مقداری مفهوم رازآمیز و مغلق است که همه چیز از دل‌اش در می‌آید. خاصه بعد از جریان فردیدی که پدیدارشناسی ابزار غزالی‌وار تازه‌ای برای پنهان کردن زهد پشت نقاب عرفان جهت مواجهه با فلسفه شد. برای مارکسیسم هم که پدیدارشناسی مانند هر اندیشه‌ی دیگری یک روبنای ایدئولوژیک و ایده‌آلیستی و این چیزها بود که با تفوق عمل بر نظر مانند هر فلسفه‌ی دیگری فاتحه‌اش خوانده شد. اما جالب است که این دو در نسخه‌ی ایرانی‌شان در «ضدفلسفه بودن» همداستان شدند و نسبت برقرار کردند، مارکسیسم در نهایت با آل احمد و پدیدارشناسی هم با فردید در مفهوم «غرب‌زدگی» همداستان شدند. که خب این نسخه‌ی تازه‌ای از عقل‌گریزی تاریخی ما بوده است که از غزالی به بعد دوست‌اش داشته‌ایم.

گلشن مهر: خب دقیقاً ماجرای این تقلیل چه بوده است، آیا مارکسیسم و پدیدارشناسی واقعاً این بودند و اقتضای چنین چیزی را داشتند؟

علی نجات غلامی: نه واقعاً این نبوده‌اند. اینها دو مکتب بسیار کلان و عظیم در تاریخ تفکر معاصرند. کمتر جریانی به اندازه‌ی این دو جریان در بطن زندگی و تفکر جهان اثرگذار و دوران‌ساز بوده است و نسبت‌های بسیار ثمربخشی نیز اعم از همگرایانه و واگرایانه با هم داشته‌اند. خب اینکه چه شد این‌طور شد، بدواً به خاطر مدخل نامناسب ورود این دو مکتب به جامعه‌ی ما بود. از یک سو، از طریق اندیشه‌ی اصل بنیادگذاران‌شان وارد نشدند و از سوی دیگر با تکانه‌هایی بدواً ایدئولوژیک در ایران بازخوانی و بازتعریف شدند. اینکه از اندیشه‌ی اصل بنیانگذاران‌شان ورود نکردند به این معنا نیست که ضرورتاً بنیانگذاران‌شان راستگوتر بوده باشند، بلکه به این معناست که افق کلی بازی دو مکتب را که مارکس و هوسرل تنظیم کردند ما گم کردیم چون این سنت‌ها در دیالوگ با آنها و حتی ضمن کمک از فلاسفه‌ی دیگر مکاتب و جریانات پرورده شده‌اند و طبعاً ترمینولوژی و مسائل اساسی را بیش از هر کسی اینها تدوین کرده‌اند که باید در بستر تاریخی‌شان نخست این ترمینولوژی فهم شود. مارکسیسم در ایران به دلیل سایه‌ی نامبارک روسیه بر سر حیات پسامشروطه‌ای‌مان به نحوی معکوس ورود کرد. یعنی فرضاً از خوانش استالین از خوانش لنین از خوانش پلخانوف از خوانشی که انگلس از مارکس داشت ورود کرد. که کلاً بدل به یک بسته راحت‌الحلقوم ایدئولوژیک برای روشنفکر شدن یک‌شبه گردید و متن مارکس متنی کتاب مقدسی شد که انگار نه انگار در بستری شکل گرفته و در دیالوگ با جریاناتی بوده است. بعدش هم که نومارکسیست‌های ما دریافتند که از قافله عقب ماندند با سرعتی ارغنونی از هر متنی چند صفحه ترجمه کردند و مرتکب «عبورهای» پیاپی شدند که خب سر از ژیژک درآوردند و مهم‌ترین مسئله‌ی فلسفی چپ ما شد مثلاً تفاوت پنجره در فیلم‌های گدار و هیچکاک و نسبت‌اش با نولیبرالیسم.

گلشن مهر: و اما پدیدارشناسی؟

علی نجات غلامی: آها نزدیک بود یادم برود. خب پدیدارشناسی هم از این بدتر. تعدادی دانشجو در اوج اروپای جنگ جهانی‌زده فرستادیم فرانسه در جوش افکار اگزیستانسیالیستی و ناعقل‌انگارانه و غیره که نیمه‌کاره برگشتند و سرشار از خشم از تاریخ عقلانیت منحط اروپایی با مفاهیمی سیال و مهیج و زارآلوده علیه تاریخ عقل اروپایی داد سخن سردادند و ایران خسته از استعمار و کودتا و غیره که با سم‌پاشی‌های بلوک شرق علیه بلوک غرب که همه‌ی اینها امپریالیسم است نیز مستعد شده بود، برای‌شان فرش قرمز پخش کرد. از این میان نیز از آنجاکه تمامی آن مفاهیم مقروضه که اینها در انبانی درهم، با خودشان آورده بودند در اصل گفتمان‌های‌شان طبعاً با پدیدارشناسی گره خورده بودند، پدیدارشناسی نیز با اسم هایدگر که آن دوران روی بورس بود، آنهم افکار متأخرش که به هر حال تاحدودی از تنه‌ی اصلی جریان پدیدارشناسی فاصله دارد بر سر زبان‌ها افتاد. افکار هایدگر هم که تا واقعاً در بستر اصلی جریان پدیدارشناسی و در دیالوگ با آن خوانده نشود، عملاً مشتی مفهوم رازآمیز است. همین زارآمیزی هم باعث شد که جریانات رازگرا مشتاق هایدگر شوند. عملاً پدیدارشناسی بسیار بسیار بی‌ربط به اصل جریانش معرفی شد.

گلشن مهر: خب جدای از این فضای عمومی‌تر آیا معتقدید که چهره‌های خاص‌تری که به نحوی دقیق‌تر به تحقیق در این دو حوزه پرداخته‌اند نیز به هر نحو دچار تحریفاتی بوده‌اند؟

علی نجات غلامی: طبعاً نه به آن شکل، اما خب اگر در کار کسانی مانند اباذری، فرهادپور و حتی رشیدیان با دقت نگاه کنیم در لایه‌های زیرینی می‌توان برخی از ابرنقدها و احکام بدیهی‌انگاشته را دید که بر نتیجه‌گیری‌های‌شان پس از تحلیلات عمیق‌شان اثر می‌گذارد. ابرنقدها و احکامی که خود از همان گفتمان عمومی‌تر تاریخی ما نشأت گرفته‌اند که فاقد نقشه‌های تاریخی-مفهومی روشن بوده است.

گلشن مهر: مثالی در این خصوص می‌زنید؟

علی نجات غلامی: مثلاً در مصاحبه‌ای با آقای دکتر رشیدیان البته متعلق به سالها پیش دیدم که ایشان گفته‌اند که «من وابستگی‌ای به سنت پدیدارشناسی ندارم و هوسرل برای من اوج ایده‌آلیسم است و جهت نقد دارم معرفی‌اش می‌کنم». خب این واژه‌ی مبهم «ایده‌آلیسم» که ایشان معنایش را روشن نکرده بودند و بدیهی انگاشته بودند پیشاپیش در معنایی عرفی فهم می‌شود که در جدال ماتریالیسم-ایده‌آلیسم گفتمان چپ ما قوام گرفته است. که خب اساساً نشان می‌دهد که جان کلام هوسرل که در نهایت به رد هردوی ایده‌آلیسم و رئالیسم مثلاً در بند آخر مقاله بریتانیکا خاصه درافت D، چونان یکی از دوانگاری‌های حاصل از نقص دکارتی فلسفه‌ی مدرن می‌رسد درک نشده است و اساسا آن نقشه‌ی سنت پدیدارشناسی در مسیر تاریخی-مفهومی‌اش روشن نیست و احکامی از پیش بدیهی انگاشته دارد بر آن حمل می‌شود. همین نکته در خصوص مقاله «انتقادی شدن پدیدارشناسی» آقای فرهادپور هم صادق است، با اینکه مقاله‌ای است پر زحمت اما در نهایت آقای فرهادپور احکامی که دارد می‌دهد بسیار عرفی است مثل استفاده از مفاهیم «تاریخی بودن» «استاتیک بودن» و غیره که ابداً روشن نیستند، مثلاً مفهوم «تاریخی بودن» را الان هر کسی در هر زمینه‌ای دارد با معانی بسیار سیال به‌کار می‌برد و برای من که واقعاً آخرش معلوم نشد که این واژه یک مشترک لفظی است یا معنایی معنوی هم دارد. جدای از اینکه انتقادی شدن پدیدارشناسی در یک مواجهه‌ی بسیار کلان طرح شده است که تا تصویری روشن از آن ایجاد نشود نقش پدیدارشناسی مرلوپونتی و معنای انتقادی‌اش در این میان روشن نیست. در عوض آقای فرهادپور به جای اینکه بکوشند مثلاً دقیقه‌ای مهم از این مواجهه که مواجهه مکتب فرانکفورت با پدیدارشناسی بوده است را به‌درستی وصف کنند و بعد اگر هم خواستند موضعی هم این وسط حال به نفع هر کس بگیرند، یک کتابچه کوچک از تندترین مقاله‌ی آدرنو با موضع‌گیریِ پیشاپیشی ترجمه می‌کنند که چنین در مقدمه‌اش القاء می‌کنند که آدرنو در این مقاله دخل پدیدارشناسی و دیگر مکاتب را آورد و درواقع به همان بازی عرفی قبلی دارد دامن می‌زند که مارکسیسم زیربنا را دیده و مابقی افکار ایدئولوژی و روبنا هستند. در حالیکه اولاً آن مقاله‌ی «نقد فلسفه‌ی خاستگاه» فقط یکی از مقالات آدرنو در مواجهه با پدیدارشناسی است و بسیار هم کلی و ناظر به تاریخ فلسفه اولی است تا صرف پدیدارشناسی و آدرنو متون دیگری هم درباره‌ی پدیدارشناسی دارد که موشکافانه‌ترند و ابهامات و نقاط اصلی نزاع و نیز توافقات را روشن می‌کنند، ثانیاً آن مقاله و دیگر مقالات آدرنو نه تنها پایانی بر پدیدارشناسی نبود بلکه آغاز یک دیالوگ بسیار نفس‌گیر بین دو سنت گردید که تأثیرات عظیمی بر جای گذاشت. خاصه در چهار مجلد مجموعه مقاله که در دهه ۱۹۷۰ با نام پدیدارشناسی و مارکسیسم منتشر شد اوج این مواجهات دیده می‌شود. و ثالثاً نوع مواجهه‌ی دیگر اعضای مکتب فرانکفورت مانند مارکوزه و هابرماس ضرورتاً شبیه به مواجهه‌ی آدرنو نبود. رابعاً جدای از مکتب فرانکفورت دیگر مارکسیست‌ها نیز نحوه‌ی مواجهه و دیالوگ و بده بستان خود را به پدیدارشناسی داشته‌اند. کلاً مشکل ما این است که این مفروضات موضع‌گیرانه را ما اول از گفتمان عمومی اخذ می‌کنیم و بعد با هدایت آنها از بین متون آنچه موافق این مفروضات می‌بینیم را بر می‌گزینیم و خب در سطح عمومی‌تر کار به گزینش تک‌جمله هم می‌کشد که مانند اهل حدیث قدیم نقل و نُقل می‌شوند در محافل.

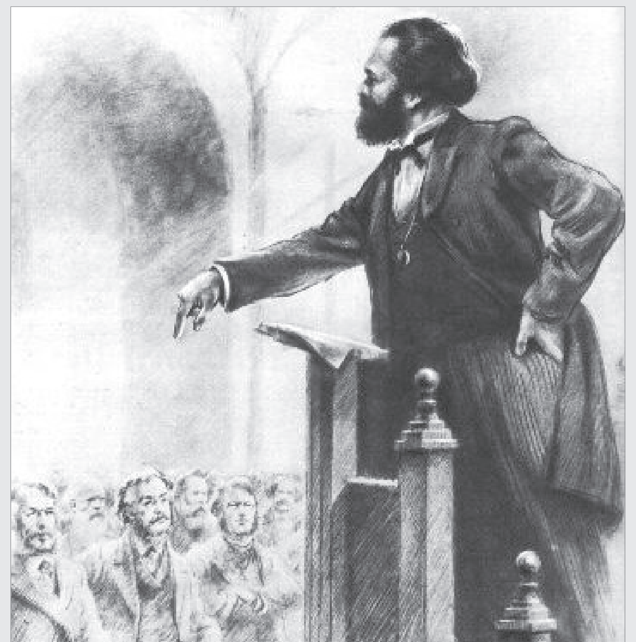

گلشن مهر: حال شما خودتان شمایی از این مواجهه در نقشه‌ی تاریخی-مفهومی‌اش به ما می‌دهید؟

علی نجات غلامی: خب اول باید یک نقشه‌ی تاریخی را روشن کنیم. هر دو مکتب تحولات وسیعی را از سرگذرانیده‌اند و زیرشاخه‌های مختلفی در آنها ایجاد شده است. مارکسیسم از یک مسیر به شوروی رفت و سنت مارکسیسم-لنینیسم را قوام داد و از یک مسیر جریان مارکسیسم غربی را شکل داد. همچنین مکتب فرانکفورت در آلمان مسیر دیگری رفت و چپ فرانسوی پس از تحولات گوناگون جریانات گوناگونی را ایجاد کرد که عمدتاً به جریانات پسامارکسیستی شهره‌اند. بعلاوه جریانات دیگری مانند مارکسیسم اومانیستی و غیره نیز در کشورهای مختلف اروپایی شکل گرفت. پدیدارشناسی نیز شاخه‌های فراوانی یافت که از پدیدارشناسی رئالیستیِ حلقه های مونیخ و گوتینگن که حول نخستین اثر اصلی هوسرل یعنی پژوهش‌های منطقی گِرد آمدند تا پدیدارشناسی فرارونده یا تقویمی دوران بلوغ هوسرل تا پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی سارتر و مرلوپونتی و پدیدارشناسی هرمنوتیکی ریکور و گادامر – که این دو مورد بیشتر ملهم از هایدگر بودند – را شامل می‌شود. علاوه بر اینکه بسیاری از دیگر متفکران معاصر نیز ولو در این تقسیم نگنجد مانند دریدا به هر حال در نسبتی با پدیدارشناسی افکار خود را قوام داده¬اند. طبعاً هر کدام از این جریانات از هر دو مکتب به نحوی و از حیثی با هم ارتباط و بده‌بستان و تقابلاتی یافته‌اند و همه مواجهه‌ی یکدستی ندارند. مثلاً سنت شوروی به دلیل ترجمه آثار اولیه‌ی هوسرل بیشتر با روح کلی پژوهش‌های منطقی آشنا بوده‌اند. اما سنت مارکسیسم غربی بویژه لوکاچ با نقدهای پدیدارشناسی تقویمی هوسرل بر علم پوزیتیو همگراتر است و تطبیق این نقاط همگرایی سبب ظهور پدیدارشناسان مارکسیستی مانند میهالی واجدا و انزو پاچی شد. مکتب فرانکفورت خب نسبت بی¬واسطه و مستقیم‌تری با پدیدارشناسی داشت و می‌توان گفت که مواجهه در معنای واقعی‌تر کلمه را با پدیدارشناسی رقم زد. جریانات پسامارکسیست نیز دیگر صرفاً از مارکس چونان نیای اصلی استفاده نکرده‌اند، با میانجی مکتب فرانکفورت خاصه بنیامین و مارکوزه این جریانات دیگر به نحو سیالی از چهره‌های کلیدی‌ای همچون مارکس، فروید، نیچه، هوسرل، هایدگر، برگسون و حتی ویتگنشتاین بهره گرفته‌اند.

گلشن مهر: قبل از اینکه وارد نقشه مفهومی شویم و شاید در مقام مدخلی برای این ورود، با توجه به اینکه گفتید اصل مواجهه بیشتر مواجهه‌ی مکتب فرانکفورت بود، دوست داریم در این خصوص بیشتر بگویید.

علی نجات غلامی: این مواجهه که خب به دیالوگی چند دهه‌ای بین مارکسیسم و پدیدارشناسی منتهی شد شاید از سفر هوسرل در اوایل دهه ۱۹۳۰ به فرانکفورت شروع شد که برای ارائه‌ی سخنرانی معروف «انسان‌شناسی و پدیدارشناسی» در همایش بزرگداشت کانت رفته بود. نامه‌ای از هورکهایمر به هوسرل وجود دارد که شدیداً از حضور هوسرل خوشحال است و طوری که نوشته¬اند اعضای مکتب فرانکفورت از جمله آدرنو با هوسرل دیدار کرده بودند. البته برخی از این اعضاء مانند مارکوزه قبلاً سر کلاس‌های هوسرل رفته بودند. محتوای گفتگو معلوم نیست اما نظر به نامه‌ی مشتاقانه‌ی هورکهایمر طبعاً بحثی جهت یادگیری بوده است و به نظر نمی‌رسد گونه‌ای موضع‌گیری جدی کرده باشند. البته موضع‌گیری را بعدها آدرنو در مقاله‌ی «نقد فلسفه خاستگاه» شروع می‌کند که خب خود آدرنو تاریخ پرفراز و نشیبی از مواجهه با هوسرل و پدیدارشناسی دارد. در متون هوسرل هم چیزی که ناظر به مکتب فرانکفورت باشد ندیده‌ام، بجز یک پاراگراف از کتاب بحران که شخصاً احساس می‌کنم نیم‌نگاهی شاید به نکته‌ای داشته باشد که ممکن است در آن دیدار یا هر جای دیگری گفته شده باشد. چون همان تمی که در آن پاراگراف آمده و هوسرل دارد جواب می‌دهد، بعدها در سخنرانی مارکوزه درباره‌ی کتاب بحران تکرار می‌شود یعنی بحث مشغله‌ی فلسفی به مثابه امری بورژوایی. به طور کلی، این مواجهه به نحوی انتقادی با مقالاتی از آدرنو در نقد هوسرل و هایدگر شروع شد که به یک جبهه‌گیری چند جانبه کشانیده شد، یعنی فقط دوجانبه نبود که فرانکفورتی‌ها آن طرف پدیدارشناسان این طرف. کسانی مانند آدرنو و اپل خب موضع مقابل و نقادانه خاصه نسبت به هوسرل ایده‌ها گرفتند و کسی مانند مارکوزه تلاش می‌کرد قرائتی انتقادی از هوسرل متأخر ارائه دهد و خب کسی مانند هابرماس رسماً بر قرائتی از دو فصل نخست کتاب بحران کارش را مبتنی کرد. از آن سو نیز پدیدارشناسانی مانند آرون گورویچ و لاندگربه و والدنفلز در مقام پاسخ به آدرنو و مارکوزه و دیگران بر آمدند. که جان این مواجهه در مجموعه مقالات مزبور گرد آمده است.

جاویدان خرد

تأملی پیرامون یک فعل پرکاربرد فلسفی

حامدصفاریان

واژۀ (یا بهتر است بگوییم فعل) vollziehen در زبان آلمانی، در مباحث فلسفی کاربرد فراوانی دارد. این واژه چه از جانب فیلسوفان، چه توسط شارحان، در ترکیباتی بکار می‌رود که اگرچه برای کسی که به زبان آلمانی آشنا باشد در بافتی که این واژه بکاررفت ه چندان غریب نمی‌نماید، اما هنگامی که همو خواسته باشد همان را به فارسی بازگو کند، آنگاه دشواری ترجمۀ این واژه بیشتر بر او خودنمایی می‌کند. ریشۀ ziehen (به معنای کشیدن) از پرکاربردترین ریشه‌های واژه‌سازی در زبان آلمانی است و تعداد افعال و اسامی ساخته شده از آن در این زبان بسیار فراوان است.

من نمی‌دانم vollziehen را در فارسی به چه باید ترجمه کرد. اما در بسیاری موارد، بخصوص در متون فلسفی ایدئالیسم، ترجمه به «گذراندن» ترجمۀ مناسبی به نظر می‌رسد، بدلایل زیر:

– فعل «گذراندن» در فارسی نیز فعلی پرکاربرد و ذومعانی است، چنان که برخی معانیِ آن در ظاهر هیچ ربطی به یکدیگر ندارند (مثلاً مقایسه کنید «گذراندن قربانی» را با «گذراندن اوقات فراغت» یا «از سر گذراندن یک اتفاق» و غیره). این توان بالای فعل «گذراندن» به آن امکان نشستن بجای vollziehen می دهد که ازقضا در مواردی همپوشانی معنایی خوبی هم دارند.

– فعل vollziehen در معنای مورد نظر من، ناظر به فرایندی است که طی آن سوژه (یا در معنای متعارف، شخص) طیِ یک امر واقع را در عمل یا در نظر (شخصاً) طی می‌کند. مثلاً فرض کنیم معادله‌ای ریاضی را در اختیار ما قرار دهند. پی‌گیری درستی این معادله، نه از روی اعتماد یا اعتقاد به درستی آن، بلکه از راه اثبات قدم‌به‌قدم آن، از ابتدا تا انتها، آن‌هم شخصاً به دست خویش، همان vollziehen است. همینطور است اگر مثلاً به ما بگویند که اگر فلان عمل را انجام دهیم، بهمان اتفاق خواهد افتاد. اگر ما برای سنجش درستی این مدعا، شخصاً آن عمل را انجام داده باشیم و آن اتفاق را از سر گذرانده باشیم، آنگاه ما آن مدعا را شخصاً vollziehen کرده‌ایم.

– فرایند vollziehen در بافت فلسفی نیز در همین معنا مصداق دارد. یعنی شخصاً اندیشیدن به آنچه به‌عنوان یک حقیقت یا استدلال فلسفی ارائه شده است، چنان‌که طی فرایند اندیشیدن، درستی آن امر فلسفی بر ما به همان کیفیت روشن شود که در نزد گوینده بوده است (که البته در چگونگی سنجش این اینهمانی می توان چون و چرا کرد).

– البته بکاربردن «گذراندن» در چنین مواردی حتماً کاربردی تازه یا غریب خواهد بود. اما این غریب یا تازه بودن به نظر من (و به دلایل بسیار) نه یک نکتۀ منفی بلکه یک امر نیکوست.

تأملی درباب اتفاق انتخاباتی آمریکا

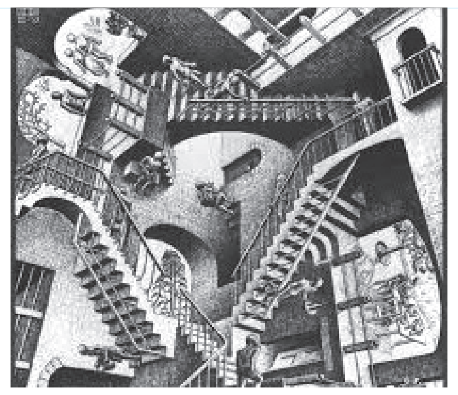

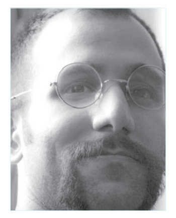

دکتر شایان طالع ماسوله

از میان مایه و اَندک مایه شِکوه نکنید، زیرا به رغم آنچه به شما گفته شده است، میان مایه و اَندک مایه در همه جا مَهار کار را در دست دارد .

یوهان ولفگانگ گوته

یکی از بدترین چیزها در حکومت های دموکراتیک «ذهن های مهندسی شده» است .

این حکومت ها بنا به ماهیت خویش بر پایه رای اکثریت و به بیان صحیح تر «توده ها» استوارند . منظورم از توده در برابر نخبه در قالب طبقات اجتماعی آن طور که مرسوم است، نیست؛ بلکه منظور از توده همان چیزیست که «خوزه اُرتگا ای گاست» (Jose Ortega Y Gasset) در کتاب «طغیان توده ها» به آن پرداخته، یعنی تقسیم افراد به دو نوع انسان؛ در این تقسیم بندی چه بسا کسانی به لحاظ سطح درآمدی، طبقه اجتماعی، حضور در جمع روشنفکران و... در زمره نخبگان (در برابر تودگان) قرار بگیرند ولی خود توده ای بیش نباشند و همینطور بلعکس؛ حقیقت این است که توده ها در هر شکلی می توانند حضور خود به عنوان واقعیتی روان شناسانه، بدون نیاز به آن که افراد به صورتی انبوه ظاهر شوند را محسوس سازند؛ یک تن نیز می تواندنماینده توده یا پدیده توده ای باشد .

معمولا توده ها به خاطر دید سطحی، عوامانه، روزمره، خودخواهانه (که البته به صورت جمعی قوام پیدا می کند)، حتی اگر به مسائل جهانی توجه کرده و می نگرند از زاویه امر لوکال است و در کل منش و اخلاق توده وارانه اشان توسط پوپولیست ها (عوام گرایان) و دماگوژها (عوام فریبان) گرفتار شده و بوسیله تاکتیک های انتخاباتی، رسانه ای، اخلاقی و غیرو ذهن هایشان مهندسی شده و به همان سویی می روند که آنان (پوپولیست ها ـ دماگوژها) می خواهند .

مهمترین دلایلی که نقش پر رنگی در پیروزی داندل ترامپ داشت، بحث شغل های از دست رفته، وضعیت اقتصادی نا مطمئن، تغییر در وضعیت مهاجران غیر قانونی، وضعیت انفعالی آمریکا در امور خارجه و غیرو بود، اینکه او تا چه اندازه بتواند و یا بخواهد که شعارهای انتخاباتی اش را عملی کند، مورد نظر من نیست، اساسا وجود نهادها و زیرساخت های خاص آمریکا مانع می شود که بسیاری از این بلند پروازی ها عملی شود و یا اینکه اساسا بسیاری از وعده ها صرفا برای داغ شدن کارزار انتخاباتی بوده و عملیاتی شدن آن ها اساسا اگر نگوییم محال است، می توانیم به جرئت بگوییم تحققشان بسیار بعید است .

اما بحث من چیز دیگریست، و آن خواست تغییر در مردم است، رویای از دست رفته آمریکایی و یا آن اتوپیا اندیشی مهمل ! اینکه اساسا انتخاب رقیب دموکرات او به معنای ادامه دادن وضع موجود بوده (با همان وضعیتی که بالاتر گفتم)، و با این تفاوت که اساسا تمام ناکارآمدی ها اینک به پای دموکرات ها و شخص اوباما نوشته شده است و اینکه اوباما میراث دار اقتصاد در حال فروپاشی بوش و جمهوری خواهان بوده دیگر مد نظر نیست) و با انتخاب او وضعیت همینی که هست می ماند (بدون آنکه بداند وضعیت واقعا چه هست و گره کار کجاست) و انتخاب ترامپ بیش از هر چیزی تقلای بیهوده مردمانی برای پیدا کردن و یا درست کردن اتوپیایی شبه بهشت است !

در حال انتشار

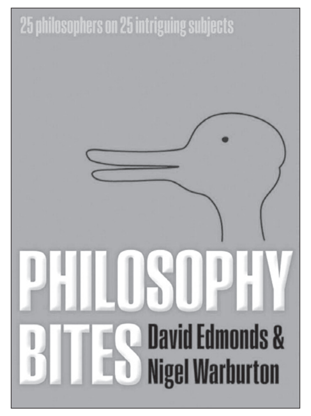

25 philosophers on 25 intriguing subjects
PHILOSOPHY BITES
David Edmonds & Nigel Warburton

عنوان اثر:

بفرمایید فلسفه (۱)

مصاحبه‌های دیوید ادموندز و نایجل واربرتون با برخی از بزرگترین فیلسوفان معاصر

ترجمه: میثم محمدامینی

زمان نشر: آبان ۱۳۹۵

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

آگهی‌های ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در واحد ثبت کردکوی تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و بعد از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

۱- خانم ژینوس عسگری فرزند نصرت اله به شماره شناسنامه ۸۰۲۵ صادره از گلوگاه به شماره ملی ۵۷۹۹۴۲۰۹۲۶ در ششدانگ اعیانی به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که بقیه آن وقف عام است به مساحت ۳۰۷/۵۲ متر مربع از پلاک باقیمانده ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ ثبت کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۲۰۱۹- ۱۳۹۵/۷/۱۱ کلاسه پرونده ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۱۴۸

۲- آقای رضا روشنی یساقی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۱۷ صادره از کردکوی به شماره ملی ۲۲۴۹۳۲۴۳۵۲ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۶۲۹/۳۶ متر مربع از پلاک باقیمانده ۳۵ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ ثبت کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۲۱۱۵- ۱۳۹۵/۷/۲۷ کلاسه پرونده ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۱۴۶

۳- آقای رضا روشنی یساقی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۱۷ صادره از کردکوی به شماره ملی ۲۲۴۹۳۲۴۳۵۲ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۰۲۰/۱۹ متر مربع از پلاک باقیمانده ۳۵ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ ثبت کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۲۱۱۴- ۱۳۹۵/۷/۲۷ کلاسه پرونده ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۱۴۴

۴- آقای قلی شهری فرزند درویش به شماره شناسنامه ۱۰ صادره از زابل به شماره ملی ۳۶۷۳۶۸۷۹۳۱ به مقدار ۱۳۴۷۴ سهم مشاع از ۲۰۰۰۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک باقیمانده ۸۷ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ ثبت کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۲۱۰۲- ۱۳۹۵/۷/۲۷ کلاسه پرونده ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۳۴۴

۵- شرکت پارس ماکیان هیرکان به شماره ثبت ۱۰۳۲۰ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۱۹۱۰۹۰ در ۴۰۰۰۰ سهم مشاع از ۱۵۰۰۰۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک باقیمانده ۸۷ اصلی روستای چهارده واقع در گلستان بخش ۲ ثبت کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۲۰۸۷- ۱۳۹۵/۷/۲۷ کلاسه پرونده ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۰۱۲

۶- خانم ملیحه مازندرانی فرزند قدمعلی به شماره شناسنامه ۷۰ صادره از کردکوی به شماره ملی ۲۲۴۹۲۲۲۹۷۵ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۷۹۷۵/۱۸ متر مربع پلاک باقیمانده ۸۷ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ ثبت کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۲۰۲۰- ۱۳۹۵/۷/۱۱ کلاسه پرونده ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۰۶۱

۷-آقای مراد علی مرادزاده دنگلانی فرزند محمدتقی به شماره شناسنامه ۱ صادره از کردکوی به شماره ملی ۲۲۴۹۲۶۴۳۴۱ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی که مقدار ۱۲/۲۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است به مساحت ۲۷۷۸۹/۲۲ متر مربع از پلاک باقیمانده ۲۳ و ۲۴ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ ثبت کردکوی اراضی زراعی نامن و شوریان طبق رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۱۸۱۰- ۱۳۹۵/۶/۱۷ کلاسه پرونده ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۶۷۶

۸-شرکت تولیدی کشاورزی تلاشگران کوثر گلستان به شماره ثبت ۹۵۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۳۴۱۱۰۵ در ششدانگ اعیانی به انضمام ۱۰۸/۶۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه که بقیه آن وقف عام است به مساحت ۴۵۰۰ متر مربع پلاک باقیمانده ۹۱ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ ثبت کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۱۶۳۴- ۱۳۹۵/۵/۲۱ کلاسه پرونده ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۱۰۷۹

رحمت خداداد – رئیس ثبت اسناد و املاک کردکوی
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۸/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۸/۲۲